

ماجرای قتل تحریرگر عهدنامه ترکمنچای در تهر



کمی قبل از دو قرن پیش، مردم تهران فردی را به قتل رساندند که عهدنامه ترکمنچای را 14 سال بعد از عهدنامه گلستان، تحریر کرد و به موجب این دو قرارداد ننگین صدها هزار کیلومتر از خاک کشورمان جدا و به امپراتوری روسیه اضافه شد.

کمی قبل از دو قرن پیش، مردم تهران فردی را به قتل رساندند که عهدنامه ترکمنچای را 14 سال بعد از عهدنامه گلستان، تحریر کرد و به موجب این دو قرارداد ننگین صدها هزار کیلومتر از خاک کشورمان جدا و به امپراتوری روسیه اضافه شد.

به گزارش ایسنا، 192 سال قبل در 22 بهمن 1207 شمسی الکساندر گریبایدوف وزیر مختار و سفیر کبیر 34 ساله روسیه تزاری در ایران بعد از تحمیل عهدنامه ترکمنچای، دومین عهدنامه ننگین به فتحعلی شاه، مسؤول اجرای مفاد 16 فصلی عهدنامه و قرارداد تجاری 9 فصلی الحاقی شد.

مفاد عهدنامه ترکمنچای به پیشنهاد ژنرال ایوان پاسویچ، فرمانده نیروهای روس در قفقاز و سایر مقامات روسی و تشویق فتحعلی شاه توسط مک دونالد، سفیر انگلستان در تهران در زمستان ۱۲۰۶ شمسی در منطقه ترکمنچای بین عباس میرزا ولیعهد وقت ایران و الکساندر گریبایدوف امضا شد و به جدایی بخش های وسیعی از خاک ایران و الحاق آن به روسیه تزاری، دریافت ۲۰ میلیون روبلی از ایران و ضبط نسخ خطی کتابخانه شیخ صفی الدین اردبیلی و انتقال آن به روسیه منجر شد.

لارنس کیلی نویسنده کتاب دیپلماسی و قتل در تهران، نوشت: «او پس از عقد این معاهده که در حافظه ایرانی ها با صفت "ننگین" همراه است، ۴۰ هزار روبل روسی پاداش و کوتاه مدتی بعد به عنوان سفیر روسیه در تهران ارتقاء مقام گرفت.»

رفتار گریبایدوف با شهروندان ایرانی بسیار تند، ظالمانه و زورگویانه توأم با قتل، غارت و هراس افکنی بود. او به حدی با مردم ایران نامحترمانه و وقیحانه رفتار می کرد که حتی الکسی پترویچ یرمولوف فرمانده قوای پیروز روس که خود شخصی خونریز و بی رحم بود به گریبایدوف گفت: «نباید مردمان مغلوب را خانه خراب کرد» اما گریبایدوف معتقد بود: «ایرانیان فقط در برابر قدرت خاضع اند.»

گریبایدوف که بود؟

الکساندر در 15 دی 1173 شمسی در مسکو متولد شد و در سال 1188 شمسی وارد دانشگاه مسکو شد و در سال 1190 شمسی به خدمت نظام اعزام شد. او از سال 1192 شمسی به کار نویسندگی و ادبی مشغول شد و نخستین نمایش نامه اش را به نام «همسران جوان» در سال 1193 شمسی در سن پترزبورگ، دومین شهر بزرگ روسیه به روی صحنه برد. (مصاحب، غلامحسین، دایرة المعارف فارسی، ج۲، ص ۲۳۹۱)

الکساندر در 22 سالگی وارد مدرسه عالی وزارت امور خارجه روسیه شد و در شمار کارکنان آن وزارتخانه درآمد. کمی بعد از آن که آخرین نمایش نامه اش به نمایش درآمد، وزارت امور خارجه او را به سمت منشی هیات نمایندگی سیاسی، مامور ایران کرد و او 14 بهمن 1197 شمسی وارد ایران شد. گریبایدوف در این سفر که اولین سفرش به ایران بود، مدتی در تبریز و چند روزی هم در تهران ماند و شهریور 1198 شمسی به همراه عده ای از اتباع روس که از زمان جنگ اول ایران و روسیه در ایران مانده بودند به گرجستان بازگشت.

گریبایدوف بار دوم بهمن 1198 شمسی به ایران سفر کرد و این بار تا آبان 1200 شمسی در ایران ماند و در بازگشت به تفلیس به عنوان کاردار هیات نمایندگی سیاسی روسیه که به ریاست ژنرال یرمولوف به ایران می آمد، انتخاب شد. پس از خاتمه این ماموریت و مراجعت به تفلیس، در بهمن 1201 شمسی به مسکو و سپس به سن پترزبورگ بازگشت. (قائم مقامی، جهانگیر، نکاتی درباره واقعه قتل گریبایدوف، ص ۲۵۸-۲۵۹)

گریبایدوف اواخر 1203 شمسی بار دیگر به همراه یرمولوف به قفقاز سفر کرد و با نینا چاوپاواوزه دختر الکساندر چاوپاواوزه، شاعر گرجی ازدواج کرد و چند ماه بعد به جرم شرکت در کودتایی که در دی 1204 شمسی بر علیه نیکلای الکساندروویچ رومانوف مشهور به نیکلای دوم، آخرین تزار روسیه به وقوع پیوست، دستگیر و به سن پترزبورگ فرستاده شد و آنجا محاکمه و زندانی شد اما چهار ماه بعد آزاد شد. (بررسی های تاریخی، سال ۴، ش ۵، ص ۲۷۸-۲۷۵)

در همین اثناء جنگ دوم میان ایران و روسیه در بهمن 1204 شمسی آغاز شد و گریبایدوف ماموریت یافت در ستاد فرماندهی

قفقاز به سمت منشی ژنرال پاسکویچ، فرمانده نیروهای روسیه در قفقاز انجام وظیفه کند. گریبایدوف از این تاریخ تا پایان جنگ دو ساله ایران و روسیه، حضور داشت.

اجرای معاهده ترکمانچای و قتل گریبایدوف

با پایان جنگ دوم ایران و روسیه، معاهده ترکمانچای که متن روسی آن به قلم الکساندر گریبایدوف نوشته شد، در اسفند 1206 در حضور آصف الدوله و وزیر امور خارجه ایران به امضا رسید. به موجب فصل شانزدهم عهدنامه گریبایدوف مأموریت یافت عهدنامه را برای تصدیق امپراتور، نیکلای دوم به سن پترزبورگ برد که در آنجا مأموریت جدیدی به وی ابلاغ شد. بر اساس این ابلاغ وی ضمن اجرای مفاد توافق شده در عهدنامه، مسؤول دریافت غرامت جنگی از ایران شد. (عبدالله یف، فتح الله، گوشه ای از مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان در آغاز قرن نوزدهم. ترجمه غلامحسین متین، ص ۲۰۳-۲۰۴)

او مهر 1207 به تبریز رسید و پس از توقفی دو ماهه به سوی تهران حرکت کرد و دی 1207 وارد شهر شد و به حضور فتحعلی شاه قاجار رسید و اعتبارنامه اش را تسلیم او کرد. گریبایدوف پس از انجام تشریفات دیوانی، رفتاری را با دربار قاجار و مردم کوچه و بازار تهران در پیش گرفت که موجب ناراضی و خشم آلود آنان شد. (الگار، حامد، دین و دولت در ایران و نقش علماء در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ص ۱۳۶)

گریبایدوف که به عنوان نماینده دولت فاتح به مملکت شکست خورده ایران قدم گذاشت، دچار نوعی تکبر و نخوت بود و همین تختر و البته جهالت همراهانش، سبب خشم مردم شد و عمارت زنبورکچی باشی را به قتلگاه او و همراهانش مبدل ساخت.

یکی دیگر از برنامه های گریبایدوف در ایران، طبق قرارداد ترکمانچای، بازپس گیری افرادی بود که قبل تر، از قلمرو روسیه به اسارت گرفته شده بودند و بعضی افراد ارمنی و گرجی نیز جزو این اسیران بودند و چون در هیأت گریبایدوف برخی از افراد ارمنی و گرجی حضور داشتند بالطبع برای بازگرداندن خویشان خود حرارت و جهالت بیشتری به خرج می دادند. در یک مورد بیرون آوردن دو زن از حریم الهیار خان آصف الدوله که اصلاً اهل قراکلیسا ارمنستان بودند و آوردن و نگاه داشتن و حمام بردن آنها در محل اقامت گریبایدوف در حالی که تا آخرین لحظه، علقه های خانوادگی و دینی ایرانی داشتند، موجب خشم مردم شد.

از سوی دیگر پناهنده شدن میرزایعقوب ارمنی به محل اقامت گریبایدوف که از خواجه سرایان حرم فتحعلی شاه بود و از کوچکترین جزئیات حرم شاه اطلاع داشت، موجب خشم شاه شد. مجموع این عوامل و رفتار بد و زننده گریبایدوف سبب شد مردم در مسجد تجمع کنند و بازار تهران بسته شود تا شاید گریبایدوف ترسیده و آن دو زن و میرزایعقوب را تسلیم کند. مردم تهران به رهبری میرزا مسیح مجتهد به سفارت روسیه که منزل زنبورکچی باشی یا سرای ایلچی بود، هجوم بردند و همه چند ده نفر هیأت نمایندگی روس را به فجیع ترین شکل به قتل رساندند و از این هیأت تنها یک تن یعنی مالتسوف، دبیر اول هیأت نمایندگی روس به طرز عجیبی نجات یافت.

بنابر قول روزنامه نظرعلی خان یا گزارش مجله بلک وود ادینبرا که تحت عنوان شرح اقدامات هیأت نمایندگی روسیه در ایران از ۲۹ دسامبر ۱۸۲۸ تا ۱۱ فوریه ۱۸۲۹ در اسکاتلند به چاپ رسید او نیز در روز حادثه در عمارت زنبورکچی باشی حضور داشت. مالتسوف در خاطراتش نوشت: «خون مانند جوی آب از بدن ها جاری بود و تمام سطح اطاق را فرا گرفته، سپس سیل آسا به طرف حیاط سرازیر شد.»

مهاجمان با سوراخ کردن سقف اتاق خواب گریبایدوف وی را با اولین شلیک از پا در آوردند. در نهایت جسد گریبایدوف به تفلیس گرجستان منتقل و دفن شد و بعضی از افراد مقتول هیأت نمایندگی روس نیز در کلیسای تادئوس و بارتولیموس در کوچه آرامنه قدیم در حوالی کوچه زنبورکچی دفن کردند.

با قتل فجیع هیات روس در ایران چیزی نمانده بود که جنگی دیگر بین ایران و روسیه در بگیرد که فتحعلی شاه با اعزام هیاتی عالی رتبه شامل خسرو میرزا قاجار پسر عباس میرزا، میرزا تقی خان و محمدخان زنگنه امیرنظام به مسکو با در دست داشتن نامه عذرخواهی فتحعلی شاه برای تزار نیکلای دوم، کار به مصالحه کشید و میرزا مسیح مجتهد به تقاضای دولت روس به عتبات عالیات تبعید شد.

همچنین فتحعلی شاه برای دلجویی و خون بهاء، الماس گرانبهای ۸۸ قیراطی معروف به الماس شاه که زمان فتح هندوستان به دست نادرشاه افشار افتاده بود را به وسیله نوه اش خسرو میرزا در سن پترزبورگ به تزار نیکلای دوم تقدیم کرد.